

شهد شعر



(کلیات اشعار)

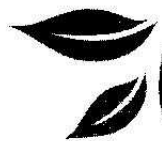
علی محمد بشارتی

A-PDF

Watermark



۱۳۸۵
مجمع فرهنگی عاشورا



سرشناسه: بشارتی، علی محمد، ۱۳۲۳-

عنوان: شهد شعر (کلیات اشعار)

مشخصات نشر: تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۴۴۰ ص.

فروست: ادبیات عاشورایی؛ ۲۰.

شابک: ۴-۴-۷۵۹۹-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیای مختصر

یادداشت: فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است.

شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۷۲۰۴۷



شهد شعر کلیات اشعار

(ادبیات عاشورایی/۲۰)

علی محمد بشارتی

A-PDF

ویرایش، آماده سازی و نظارت بر نشر: محمد قاسم فروغی چهرمی

ناشر: مجتمع فرهنگی عاشورا

حروفچینی و صفحه آرایی: مهناز رحیمی

طرح جلد: مسعود آباد

نوبت چاپ: اول/ ۱۳۹۴

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

شابک: ۴-۴-۷۵۹۹-۶۰۰-۹۷۸ قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

تهران: خ کریم خان - خ نجات الهی - خ شهید لباف - شماره ۱۵

تلفن: ۸۸۸۹۶۸۷۶

Email: nohe1sepah@yahoo.com





۱۷	مقدمه
۱۹	سبک خراسانی از استقلال نسبی ایران تا قرن ششم
۲۰	مشخصات سبک خراسانی
۲۰	مختصات فکری
۲۰	قرن چهارم، قرن رودکی شیرین گفتار و فردوسی حماسه‌ساز
۲۰	الف: رودکی
۲۲	ب: فردوسی شاعر خرد و حماسه
۲۳	علل توفیق و امتیاز شاهنامه
۲۳	فرق نظم و نثر
۲۴	انواع صنایع شعری
۲۷	تحول در شعر فارسی
۲۸	ویژگی‌های شعر در قرن ششم
۳۱	خلاصه‌ای از آغاز تا انجام سبک خراسانی
۳۴	تحولات شعر فارسی در قرن هفتم
۳۴	تحولات ادبی
۳۵	سبک عراقی
۳۵	مختصات سبک عراقی

۳۶.....	مختصات فکری.....
۳۶.....	مختصات ادبی.....
۳۷.....	درباره شعر.....
۳۹.....	نظر اسلام درباره شعر و شاعری.....
۴۴.....	الف- مدح و وصف.....
۴۵.....	ب- ذم و هجو و طنز.....
۴۵.....	ج- تقویت حافظه.....
۴۵.....	د- پایداری آثار.....
۴۵.....	ه- تفهیم مسائل.....
۴۶.....	و- زبان مشترک.....
۵۰.....	نمونه‌هایی از گلستان و بوستان.....
۵۸.....	سبک هندی.....
۶۲.....	نماز در شعر شاعران.....
۶۴.....	فروغات نماز.....
۷۳.....	مناظره، مقایسه، مطایبه.....
۷۴.....	درباره غزل.....
۸۵.....	تفاوت نظم و شعر.....
۸۶.....	خصوصیات یک شعر خوب.....
۸۸.....	شرح یک بیت از دیوان حافظ.....
۸۹.....	نمونه‌هایی از اشعار خوب.....
۹۱.....	حک و اصلاح شعر در محضر شاعر.....
۹۱.....	استفاده از سبک قدیم.....
۹۲.....	یادی از حافظ.....
۹۵.....	استقبال از غزل مقام معظم رهبری.....
۹۸.....	اما درباره کتاب «در وادی عشق».....
۱۰۳.....	پیشگفتار.....
۱۰۵.....	فراغت نسبی.....
۱۰۶.....	شعر منقبت است.....

۱۰۹	یک خاطره
۱۰۹	کوتاه دربارهٔ کلیات اشعار
۱۱۱	غزلیات عرفانی و عاشقانه
۱۱۳	حسن دیرپای
۱۱۴	مه سیما
۱۱۵	نگه دلدوز
۱۱۶	می پرستی
۱۱۷	سیل و دریا
۱۱۸	شهرت مطلوب
۱۱۹	شراب نگاه
۱۲۰	لعل عقیق
۱۲۱	اشتباه ما
۱۲۲	حیران و دلفریب
۱۲۳	زار و ناتوان
۱۲۴	ترانه ما
۱۲۵	کشتی عشق
۱۲۶	سراچه دل
۱۲۷	نخل خمیده
۱۲۸	ناوک مرد افکن
۱۲۹	خوف گناه
۱۳۰	بی‌قراری‌ها
۱۳۱	مسیح من
۱۳۲	بار آمدنی ست
۱۳۳	قسم به عشق
۱۳۴	غزل تمام
۱۳۵	نشست و برخاست
۱۳۶	گذشت عمر
۱۳۷	به یک نگاه

۱۳۸	 میثاق
۱۳۹	 ناوک عشق
۱۴۰	 شهد و شکر
۱۴۱	 بهار پر گل
۱۴۲	 خزان بی دلی
۱۴۳	 ملالی نیست
۱۴۴	 مطلع خورشید
۱۴۵	 سال بی بهار
۱۴۶	 خدنگ غمزه
۱۴۷	 پیاله نگاه
۱۴۸	 چون سحاب
۱۴۹	 طعم بوسه
۱۵۰	 زیب سیم و زر
۱۵۱	 شقایق
۱۵۲	 خیال وصل
۱۵۳	 رخ قشنگ
۱۵۴	 چو بوی گل
۱۵۵	 کلام شهد
۱۵۶	 طف آه
۱۵۷	 شمع کشته
۱۵۸	 کویر و تشنه
۱۵۹	 "در ارتحال امام راحل (ره)"
۱۵۹	 صحیفه نور
۱۶۰	 "در سوگ امام راحل (ره)"
۱۶۰	 ستاره غمزه
۱۶۱	 چشمه مهر
۱۶۲	 پیر یار سا
۱۶۳	 یار مهربان
۱۶۴	 برگرد

۱۶۵.....	آفتاب مژگان.....
۱۶۶.....	کلید هزار قفل.....
۱۶۷.....	صبح خنده.....
۱۶۸.....	فرش جان.....
۱۶۹.....	ده ظرف می.....
۱۷۰.....	چشم به راه.....
۱۷۱.....	آینه قلب و روح.....
۱۷۲.....	اسیر عشق.....
۱۷۳.....	افسانه نبود.....
۱۷۴.....	دیده شعله.....
۱۷۵.....	خون رز.....
۱۷۶.....	ای آفرین.....
۱۷۷.....	تسلیت ارتحال پیامبر (ص) به امیرالمؤمنین (ع) ^۱
۱۷۸.....	غبار راه.....
۱۷۹.....	چشم خدای بین.....
۱۸۰.....	درد لب.....
۱۸۱.....	استغفار.....
۱۸۲.....	باده خمار.....
۱۸۳.....	جمال دوست.....
۱۸۴.....	یار بردبار.....
۱۸۵.....	یار دلنواز.....
۱۸۶.....	چشم بی نیاز.....
۱۸۷.....	بازم نگر.....
۱۸۸.....	عفو و عطا.....
۱۸۹.....	رقیب خفته.....
۱۹۰.....	جنگ و گریز.....
۱۹۱.....	کوی وصال.....
۱۹۲.....	لیلة القدر.....
۱۹۳.....	د ر کنار من.....

۱۹۴	 نعمت حق
۱۹۵	 کجاوه نور
۱۹۶	 چشمه نوش
۱۹۷	 مست مدام
۱۹۸	 خنده ملیح
۱۹۹	 محراب عاشقان
۲۰۰	 دام زلف
۲۰۱	 نظم روان
۲۰۲	 برف
۲۰۳	 رنجهام
۲۰۴	 صداق
۲۰۵	 سر سradق
۲۰۶	 عاشق صادق
۲۰۷	 خشم می
۲۰۸	 آینه دل
۲۰۹	 خواهش آخر
۲۱۰	 احساس حضور
۲۱۱	 گیسوی مهتاب
۲۱۲	 منتهی الآمال
۲۱۳	 اول محرم
۲۱۴	 هزاران دل
۲۱۵	 دهل
۲۱۶	 مذهب انس
۲۱۷	 آتش دل
۲۱۸	 رام رام
۲۱۹	 موی دلکش
۲۲۰	 بهشت چشم
۲۲۱	 از خویش می روم
۲۲۲	 ساقی پرست

۲۲۳	 پیاله و جام
۲۲۴	 بارگاه
۲۲۵	 روز و شب مستم
۲۲۶	 دامانی از بهار
۲۲۷	 لوح زندگانی
۲۲۸	 تو هستی برابر من
۲۲۹	 داغ جدایی
۲۳۰	 مرگ و زندگی
۲۳۱	 شراره
۲۳۲	 تا جنان بروم
۲۳۳	 به خدا وا گذاشتیم
۲۳۴	 عالم بالا
۲۳۵	 مسلخ عشق
۲۳۶	 ساحل عشق
۲۳۷	 ذبح عظیم
۲۳۸	 بهار حسن
۲۳۹	 طیب درد
۲۴۰	 هست و بود من
۲۴۱	 گلغزار من
۲۴۲	 برگ و بار
۲۴۳	 اشتباه من
۲۴۴	 مرغ شب
۲۴۵	 غمگسار من
۲۴۶	 بشنو طنین هجر
۲۴۷	 روزگار تو
۲۴۸	 مسیح وار
۲۴۹	 تبسم گل
۲۵۰	 لبخند شعر
۲۵۱	 سرشک خون

۲۵۲	 شعله شعر
۲۵۳	 خون دل تاک
۲۵۴	 خونبهای تو
۲۵۵	 راه پرخطر
۲۵۶	 وضوی تو
۲۵۷	 گل همیشه بهار
۲۵۸	 دیده زیبا پسند
۲۵۹	 اشک و آه
۲۶۰	 شام تیره
۲۶۱	 عذر گناه
۲۶۲	 لاله داغدار
۲۶۳	 آهسته آهسته
۲۶۴	 خاتون عالم
۲۶۵	 دیده خون گرفته
۲۶۶	 پورا مننه
۲۶۷	 می خون‌رنگ
۲۶۸	 ز دل خزان بهری
۲۶۹	 شعر دری
۲۷۰	 طبیب جان
۲۷۱	 آتش زده ای بر جان
۲۷۲	 راز نگفتنی
۲۷۳	 شعر خون‌بار
۲۷۴	 شعله نگاه
۲۷۵	 چوبان شوق
۲۷۶	 لبخند شیرین
۲۷۷	 اشک شمع
۲۷۸	 غزل مهتاب
۲۷۹	 لاله صحرایی
۲۸۰	 غبار گذار

۲۸۱	ترکیب‌بند عاشورایی
۲۸۳	بند اول

۲۹۷	ترکیب‌بند توحیدی
۲۹۹	عشق حق

۳۰۳	دل سروده‌ها
۳۰۵	مناجات
۳۰۷	مونس دلسوز
۳۰۹	مہین مہ رخسار
۳۱۱	یار مہربان
۳۱۳	غارت هوش
۳۱۵	خنده شورآفرین
۳۱۷	همچو غزال
۳۱۹	خون خم ریزم
۳۲۱	نصیحت به فرزند
۳۲۳	رمضان

۳۲۵	ترجیع‌بند
۳۲۷	تو لوح سپاس کردگاری

۳۳۳	قصاید
۳۳۵	ماه صیام
۳۳۹	رسول رحمت
۳۴۲	سحاب رحمت
۳۴۶	سیده نساء
۳۴۸	سلام بر امام مجتبی (ع)
۳۵۱	خدا به فاطمه داد آنچه را که خواسته بود
۳۵۷	کربلا

۳۵۹	 امام رئوف
۳۶۱	 عید غدیر
۳۶۳	 نگین ری
۳۶۶	 ای فخر خدای دادگستر
۳۶۹	 یا ام اییها
۳۷۱	 ای در تو جمال حق پدیدار
۳۷۴	 طوس
۳۷۶	 گل و لاله
۳۷۸	 کشتی رستگاری
۳۷۹	 می‌مرد جای شمع
۳۸۱	 مسقط
۳۸۳	 حلول ماه رمضان
۳۸۶	 تو وارث ولایت و فرزند حیدری
۳۸۸	 فخر کعبه
۳۹۱	 مثنوی
۳۹۳	 سقای وفا و شوق
۳۹۶	 علمدار
۳۹۹	 قطعات
۴۰۱	 کانون عاطفه
۴۰۳	 پیوند کلیه
۴۰۵	 شعر نو
۴۰۷	 باید ز جای برخاست
۴۱۱	 طنز
۴۱۳	 خواب و بیداری

۴۱۷	جنگ دایم
۴۱۹	جنگ دایم
۴۲۲	دست جهود
۴۲۳	لهیب حادثه
۴۲۴	پرچم افتخار
۴۲۵	افکار بسیجی

۴۲۷	حسن ختام
۴۲۹	ساقی نامه
۴۳۱	مناجات الراضی
۴۳۷	منابع



مقدمه

دو قرن از ظهور اسلام بیشتر گذشته بود که ایرانیان در قلمرو علوم مختلف صاحب نظر شدند و در عرصه‌های گوناگون هنر، خودی نشان دادند و به مدارج علمی بالایی دست یافتند. جالب است، اعراب اقوامی را که به زبان غیرعربی سخن می‌گفتند از جمله ایرانیان را عجم می‌خواندند.

طولی نکشید که بزرگانی در ایران در علم نحو مانند سیبویه فارسی به‌پا داشتند که طرز تکلم و نگارش عربی را به خود عرب‌ها آموختند! شاگرد او اخفش خوارزمی و خلیل‌بن‌احمد، علم عروض را تدوین کردند و نخستین کتاب مهم لغت عربی را تهیه نمودند که هر سه نفر همان‌گونه که گفتیم ایرانی‌تبارند.

در اینجا ما نقش ایرانیان را در علوم عقلی و نقلی را به فرصتی دیگر وامی‌گذاریم و به بحث اصلی کتاب پیرامون شعر و اثرات غیر قابل انکار شعر و شاعری در حفظ هویت دینی و ملی ایرانیان می‌پردازیم.

اولین نمونه‌های شعر عروضی به زبان دری، مربوط به دوره طاهریان است.

معروف است که حظلة بادغیسی متوفای ۲۲۰ هجری قمری نخستین کسی است که به فارسی شعر گفته است. می‌گویند که احمد بن عبدالله خجستانی از امرای طاهری، دو بیت را در

دیوان حنظله خوانده و آنقدر تحت تأثیر قرار گرفته که به قول خودش، از خربندگی به حکومت خراسان رسیده است:

مهتری گر به کام شیر در است شو خطر کن ز کام شیر بجوی
یا بزرگی و عزّ و نعمت و جاه یا چو مردانت مرگ رویاروی

هر چند بعضی از محققین در انتساب این شعر به حنظله بادغیسی در قرن دوم هجری تردید کرده‌اند و این شعر را با این همه فصاحت و استحکام، اولین شعر نمی‌دانند، ولی با توجه به نظرات نظامی عروضی صاحب اثر ارزشمند چهار مقاله، انتساب این شعر به حنظله چندان دور از ذهن نیست.

بدیهی است که ضرورتی نداشته همه شعرها در یک عصر به یک اندازه مشهور و معروف باشند، عواملی چند و دلایل متعددی موجب شهرت افراد و آثار آنها می‌شود. این دلایل همواره ثابت نیستند و از دیدگاه‌های مختلف، متفاوتند. مثلاً شاعری در دربار بعضی از امیران محبوب و مطلوب بوده، ولی بعد از انقراض آن سلسله از شهرت و محبوبیت وی کاسته شده و حتی معضوب گردیده و گاهی از حیات این ساقط گشته است. مقصود اینکه ضرورتی نداشته و ندارد که یک شعر و یا یک شاعر در هر زمان و در همه جا مشهور و مورد احترام باشد.

امروزه در عصر ارتباطات و سوپرایانه‌ها نیز شهرت مشاهیر در همه جا یکسان نیست و بعضاً یک دانشمند و یا شاعر نیرومند، با آثار ارجمند خود به دلایل و شرایطی از شهرت معمول برخوردار نیست.

ما برای بررسی دقیق‌تر و سهولت درک شاعران و آثار شعری آنها و اثرات اجتماعی شعر، مواردی را بر مبنای شکل و محتوای آنها به هفت دوره یا هفت سبک تقسیم می‌کنیم:

۱. سبک خراسانی از آغاز تا قرن ششم هجری قمری
۲. سبک عراقی از قرن ششم تا قرن نهم هجری قمری
۳. سبک هندی از قرن نهم تا قرن دوازدهم هجری قمری
۴. سبک بازگشت از قرن دوازدهم تا قرن سیزدهم هجری قمری
۵. سبک مشروطیت خواهی قرن سیزدهم

۶. سبک دوره اختناق از ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷

۷. سبک انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ به بعد

سبک خراسانی از استقلال نسبی ایران تا قرن ششم

ابتدا سبک خراسانی در خراسان بزرگ به وجود آمد و چون قلمرو خراسان آن روز تا ترکستان امتداد داشت، به سبک ترکستانی هم معروف است. این سبک به نام‌های فرعی دیگری از جمله سبک سامانی، سبک غزنوی و سبک سلجوقی هم تقسیم کرده‌اند که مربوط به دوران حکومت‌های سامانی و غزنوی و سلجوقی است که مشخصات هر دوره‌ای برای اهل تحقیق روشن است و بعد به آنها اشاره خواهد شد. اشعار هر دوره‌ای تحت‌تاثیر حکومت‌ها و حال و هوای فرهنگی و اجتماعی و سیاسی آن زمان‌ها قرار گرفته است.

معروف‌ترین شعرای سبک خراسانی عبارتند از:
- رودکی سمرقندی، فردوسی طوسی، فرخی سیستانی، ناصر خسرو قبادیانی، سنایی غزنوی، منوچهر دامغانی، عنصری، مسعود سعد سلمان و...

یادگار مهربان آید همی

زیر پایم بر میان آید همی

خاک منار نامیان آید همی

ماه سوی آسمان آید همی

سرو سوی بوستان آید همی

بوی جوی مولیان آید همی

ریگ آموی و درشتی‌های او

آب جیحون از نشیمن روی بوستان

میر ماه است و بخار آسمان

میر سرو است و بخار بوستان

معروف است که چون اقامت نصربن احمد سامانی در هرات، طولانی شد و خواهش‌های سران لشکر برای بازگشت امیر به بخارا بی‌نتیجه ماند، به ناچار آنها به رودکی روی آوردند که مگر به تدبیر وی، امیر عزم بخارا کند. رودکی پذیرفت و غزل فوق را سرود و خود با چنگ آن را بر امیر خواند. گویند که امیر چنان از این شعر به وجد آمد که از تخت فرود آمده و بدون پوشیدن کفش بر اسب نشست و به طرف بخارا روی نمود.

این ماجرا که همه محققین به اتفاق آن را تأیید کرده‌اند، نشانگر تأثیر شعر فارسی بر خاص و عام و تشویق شعر و شاعران توسط حاکمان و حکومت‌های فارسی‌زبان است.

مشخصات سبک خراسانی

۱. سادگی زبان شعر (این دوره معروف به دوره تکوین زبان فارسی است).
۲. کمی لغات عربی و اصولاً واژه‌های غیرفارسی (البته اصطلاحات و آیات و روایات مستثنی هستند).
۳. تفاوت کم بیش بسیاری از کلمات سبک خراسانی با زبان امروزی.
- زبان سبک خراسانی به زبان افغانستان و تاجیکستان امروز بیشتر شباهت داشته است.
۴. کهنه و متروک بودن بسیاری از واژه‌ها و لغات این سبک در زبان امروز.

مختصات فکری

عمده مشخصات فکری سبک خراسانی عبارتند از:

۱. نشاط و شادابی در شعر غلبه دارد.
۲. توصیفات سبک خراسانی ساده، محسوس، عینی، روشن و آسان فهم است.
۳. هرگاه به معشوق بپردازد، معشوق دست‌یافتنی و طبیعی است.
۴. روح حماسه بر ادبیات این دوره تسلط کامل دارد.
۵. هرگاه به پند و اندرز بپردازد، معمولاً ساده است و جنبه عملی دارد.
۶. عمده محورهای سبک خراسانی، مدح، پند و اندرز، حماسه، مرثیه و غناست.

قرن چهارم، قرن رودکی شیرین‌گفتار و فردوسی حماسه‌ساز

الف: رودکی

رودکی را می‌توان مشهورترین، مؤثرترین و محبوب‌ترین شعرای سبک خراسانی دانست که سه‌خسَن را با هم داشته است:

- هم شاعری پرمایه و خوش‌ذوق بوده است،

- هم صدایی خوش و دلکش داشته،

- و هم چنگ را نیکو می‌نواخته است.

از او که می‌گویند صددفتر شعر داشته است، نزدیک به هزار بیت بیشتر باقی نمانده است. مثنوی کللیه و دمنه و منظومهٔ سندیادنامه از سروده‌های رودکی است که متأسفانه همه از بین رفته است.

سلطان شاعران، پدر شعر فارسی و استاد شاعران جهان، از القاب رودکی است.

رودکی طبعی لطیف، ذوقی قوی و زبانی نرم و روان و ساده دارد. او در توصیف طبیعت استادی خود را نشان می‌دهد. قدرت او در تصویرسازی و خیال‌پردازی فوق‌العاده است. شاعر عمری طولانی داشته و معروف است که وی در هفت سالگی قرآن را در حفظ داشته و یکی از عوامل معروفیتش نیز در همین مسئله بوده است.

رودکی در اواخر عمر و بر اثر کهنسالی، پس از ریختن دندان‌هایش، هر دو چشم خود را از دست داد. قطعهٔ زیر را در رثای دندان‌هایش سروده است:

مرا بسود و فرو ریخت هر چه دندان بود	نیبود دندان لا، بل چراغ تابان بود
یکی نماند کنون، بل همه بسود و بریخت	چه نحس بود همانا که نحس کیوان بود
همی ندانی ای آفتاب غالیه موی	که حال بنده ازین پیش بر چه سامان بود
شد آن زمانه که رویش بسان دیبا بود	شد آن زمان که مویش به رنگ قطران بود
همیشه شاد و ندانستمی که غم چه بود	دلم بشاوا و ملول را فراغ میدان بود
بسا دلا که بسان حریر کرده به شعر	از آن سپس که به گداز سنگ و سندان بود
بدان زمانه ندیدی که زی چمن رفتی	سرود خوانان گویی هزارستان بود
عیال نه، زن و فرزند نه، مؤونت نه	از این همه تنم آسوده بود و آسان بود
کنون زمانه دگر گشت و من دگر گشتم	عصا بیار که وقت عصا و اتیان بود

رودکی در سال ۳۲۹ هجری درگذشت و در رودک سمرقند روستای محل تولدش دفن گردید.

دوازده سال پس از مرگ رودکی، ابوالحسن کسایی در ۳۴۱ هجری در مرو متولد شد. او

اواخر دورهٔ سامانیان و اوایل غزنویان را درک کرده است.